

کتابهای خوب در آیین نشر

کریم امامی

موضوع بحث ما کیفیت تألیف و ترجمه کتابها نیست. بحث درباره چند و چون طبع و نشر کتابهای خوبی است که مؤلفان توانا به ناشران می سپارند. چه باید کرد و چه نباید کرد تا آثار واقعاً با ارزش از هفت خوان نشر به سلامت بگذرد و خریداران را برانگیزد و خوانندگان را بر سر شوق آورد. افزایش علاقه خوانندگان فارسی زبان به کتاب در سالهای اخیر، به نوبه خود باعث پدید آمدن نوعی رونق در کسب و کار کتاب شده است و در این میان بیم آن می رود که بعضی ناشران برای بهره برداری هر چه بیشتر از این بازار گرم، با شتابکاری و ندانم کاری زحمات پدیدآورندگان آثار را به هدر دهند و نام نیک همه ناشران را بیالایند. در این مختصر می گوئیم آنچه را که از شئون طبع و نشر کتابهای خوب محسوب می شود، و نیز کارهایی را که ما ناشرانست می دانیم، برشماریم.

کتابهای چاپ اول

سخن ما درباره دستنوشته ای است که ناشر و مشاوران او شکی در مرغوبیت آن نکنند و کتاب را از هر لحاظ شایسته سرمایه گذاری و انتشار بدانند. در اینجا ما کاری به کار مترجمان بد و مؤلفان بی مایه و سارقان آثار و گردآورندگان چرندیات نداریم. کار خود را از مرحله ای شروع می کنیم که ناشر اثر خوب را برای نشر پذیرفته است. ناشران خوب و مسؤول از اینجا به بعد چه می کنند؟

ویرایش. درباره ضرورت ویرایش و آداب ویراستاری پیش از این سخن بسیار گفته شده است و نیازی به تکرار مکررات نیست. همینقدر بگوییم که امروزه دیگر کمتر ناشری پیدا می شود که دستنوشته ای را بدون آنکه خود یا شخص مورد اعتماد دیگری به دقت بخواند به چاپخانه بفرستد. همین خواندن و تأمل نکته سنجانه در دستنوشته وسیعی در یکنواخت کردن برخی ظواهر آن چون شیوه خط و نقطه گذاری و ضبط اعلام، ویرایش است. معنی ویراستاری الزاماً حک و اصلاح شدید و دگرگون کردن متن نیست.

انتخاب قالب مناسب. این امر یکی از ظریفترین امور چاپ کتاب است: اینکه ناشر با ارزیابی دستنوشته معلوم کند کتاب با چه حروفی چیده شود، در چه قطعی و روی چه نوع کاغذی به چاپ برسد، به چه روشی و با چگونه جلدی صحافی شود تا به شکلی برارنده و متناسب با موضوع خود درآید. در هر مرحله از میان چند امکان یکی را باید برگزید و انتخاب غلط اغلب نتایج نامطلوب

به بار می آورد و دست کم به فروش کتاب لطمه می زند. مثال فراوان است؛ بدهتا چند مورد را ذکر می کنم. قطع رُقمی (۵/۱۴ در ۲۱/۵ سانتیمتر) برای يك کتاب مرجع چندجلدی قطع مناسبی نیست. با استفاده از قطع وزیری (۵/۱۶ در ۲۴ سانتیمتر) یا قطع رَحلی (۵/۲۱ در ۲۹ سانتیمتر) حتماً می توان تعداد مجلدات را کاهش داد. اما فرهنگ معین متأسفانه در قطع رُقمی چاپ شده است و به همین علت به جای دو جلد یا سه جلد، شش جلد چاق و چله دارد که به تنهایی يك طبقه قفسه را اشغال می کنند. فرهنگ اصطلاحات علمی روی کاغذوب که يك نوع کاغذ ارزان قیمت شبیه به کاغذ کاهی است به چاپ رسیده است و امروز پس از گذشت ۱۴ سال از تاریخ انتشار آن، وقتی کتاب را ورق می زیم زرد شدن کاغذ را مشاهده می کنیم و متأسف می شویم که چرا کتاب روی کاغذ تحریر سفید چاپ نشده است. و یا صحافی ته چسب چاپ جدید تاریخ طبری با جلد مقوایی نرم به جای ته دوزی و جلد روکش شده محکم باز اسباب تأسف می شود.

حروفچینی. حروفچینی برای يك کتاب غیر مصور مهمترین مرحله چاپ آن محسوب می شود. حروف خوب هم خوانا و هم زیباست؛ چشم را می نوازد و روحیه مناسب در خواننده ایجاد می کند. در حال حاضر مشکل در واقع انتخاب مناسبترین روش حروفچینی است، چون همه امکانات یکی دو قرن اخیر هنوز در اختیار ما قرار دارد و هیچ روشی کاملاً منسوخ نشده است. هنوز می توانیم کتاب را به دست خوشنویس بسپاریم (آخرین نمونه: لیلی و مجنون نظامی به خط کیخسرو و خروش) و یا با حروف سربی مجزا با دست حروفچینی کنیم (بهترین نمونه: کلیله و دمنه تصحیح مجتبی مینوی) و یا با ماشینهای سطرزنی و حرفریزی سربی لاینوتایپ و مونوتایپ بچینیم. می توانیم سراغ ماشین تحریر حافظه دار آی. بی. ام. برویم (که خوشبختانه این روزها برای چاپ کتاب دارد از مد می افتد) و یا سراغ ماشینهای حروفچینی نوری- کامپیوتری لاینوترون و کامبست که اقلاً سه چهار نسلشان در چاپخانه های تهران به کار مشغولند و نورسیده ترینشان (لاینوترون ۲۰۲) همین سطور را برای خوانندگان محترم نشر دانش زده است. ناشر با توجه به ویژگیهای متن کتاب (راسته چینی است؟ اعرابگذاری دارد؟ حروف لاتین در متن دارد؟ فرمول ریاضی دارد؟ تا چه حد به حروف متنوع در اندازه های مختلف نیاز دارد؟) و با توجه به ظرفیت مؤسسات حروفچینی و بودجه ای که برای تولید کتاب در نظر گرفته است سرانجام روش حروفچینی و چاپ کتاب را معلوم خواهد کرد. اغلب اتفاق می افتد که ناشر

به مناسبترین روش حروفچینی دسترسی نمی یابد و ناچار می شود از روش دیگری استفاده کند که امکاناتش محدودتر است، مثلاً لاینوتایپ که هیچ گونه امکانی برای اعرابگذاری ندارد و از این رهگذر سهولت قرائت متن لطمه می خورد.

علاوه بر نوع حروف، اندازه حروف انتخاب شده نیز مهم است. درشتی و ریزی حروف به کمک واحد اندازه گیری مخصوصی که پُنت نام دارد و کم و بیش برابر يك هفتاد و دوم اینچ یا ۰/۳۵ میلیمتر است تعیین می شود. کتابهایی که خوانندگان خردسال را مخاطب قرار می دهند باید با حروف درشت تر از خدمتعارف (مثلاً حروف ۲۴ پُنت) چیده شوند. خوانندگان مسن و میانسال به نوبه خود کتابهایی را که با حروف نسبتاً درشت (مثلاً ۱۶ یا ۱۸ پُنت- به اندازه همین حروف) چاپ شده باشند بیشتر می پسندند. بقیه کتابها معمولاً با حروف ۱۲ پُنت حروفچینی می شوند، جز کتابهای مرجع که چون خواننده تنها گاه به گاه به آنها مراجعه می کند و چندسطری می خواند از حروف ریزتر از خدمتعارف (مثلاً ۱۰ پُنت) برای حروفچینی متن آنها می توان استفاده کرد.

نمونه خوانی. خواندن نمونه های حروفچینی و تصحیح غلطهایی که در جریان تبدیل دستنوشته به حروف چاپی پیش می آید کار دقیق و مهمی است و ناشران جدی در این امر کوتاهی نمی کنند. کتاب متعارف امروز خوشبختانه خیلی کم غلط تر از کتاب متعارف سی چهار سال پیش است (خوانندگان دیر باور می توانند شخصاً این نکته را با مراجعه به يك کتابخانه عمومی ملاحظه کنند) ولی هنوز دسترسی به کتاب چاپ اول کاملاً بی غلط میسر نشده است. يك علت کاسته شدن از تعداد غلطهای چاپی در کتابها استفاده از روشهای حروفچینی جدید و چاپ افست است که اجازه مرور متن حروفچینی شده و تصحیح آن را در چند مرحله به مؤلف، مترجم یا ویراستار می دهد در حالی که در سالهای پیش که بیشتر کتابها با حروف دستی چیده و با استفاده از همان حروف سربی روی ماشینهای چاپ مسطح به چاپ می رسید، تصحیح حداکثر در دو نوبت در چاپخانه انجام می گرفت و همه موارد تصحیح هم به حروف سربی منتقل نمی شد.

در مورد نمونه خوانی واجبات امر عبارت اند از خواندن حداقل يك نمونه (مثلاً نمونه دوم) توسط دو نفر به طور جداگانه که یکی از آنها نمونه خوان حرفه ای و آشنا به امور فنی و دیگری مؤلف و مترجم و یا ویراستار کتاب باشد. مؤلف یا مترجم به تنهایی همه غلطها را نمی بینند و بسیاری از قسمتهای متن را ذهنی

در آیین نشر
کتابهای خوب

صفحات زوج. برای کتابهایی که از سمت راست باز می‌شوند (مثل کتابهای فارسی) صفحات فرد یا صفحات سمت چپ مهمتراند و اجزای اصلی صفحات آغاز را باید در صفحات فرد جای داد که از این دست‌اند صفحه‌ عنوان اصلی و صفحه آغاز پیشگفتار. هرگاه کتابی به‌دست خواننده نکته‌سنجی برسد که صفحه‌ عنوان آن در صفحه زوج چاپ شده باشد فوراً ابر و بالا خواهد برد و از آن پس در ارزیابی کتاب دقت بیشتری خواهد کرد. همان سکندری اول به‌او هشدار داده است که ناشر ممکن است تازه کار باشد.

يك جزء دیگر صفحات آغاز که هنوز همه ناشران ایرانی تکلیف خودشان را با آن روشن نکرده‌اند صفحه‌ عنوان کوتاه است که قبل از صفحه‌ عنوان اصلی قرار می‌گیرد و پشت آن معمولاً سفید می‌ماند. در این صفحه می‌توان صرفاً عنوان کتاب را چاپ کرد و یا آن را با کلامی مقدس آراست و یا آرم ناشر را در آن چاپ کرد، و در هر حال مطلعی است که هم خواننده را آماده ورود به کتاب می‌سازد و هم صفحه‌ عنوان اصلی را محافظت می‌کند.

نظارت بر چاپ. کار چاپ کتاب پیچیدگیهای فراوانی دارد، مخصوصاً اگر مراحل گوناگون کار (حروفچینی، لیتوگرافی، چاپ، صحافی) در يك مؤسسه و زیر يك سقف انجام بگیرد. در واقع در هر مقطع احتمال بیراهه رفتن آنقدر زیاد است که چاره‌ای جز استخدام راهنمای مجرب نیست. تصحیح هر اشتباهی که صورت بگیرد وقتی در نسخه‌های تیراژ ضرب شود رقمی می‌شود که تقبل آن نه برای صاحب چاپخانه و نه برای ناشر هیچکدام به‌آسانی مقدور نیست. و آخر سر «خواننده عزیز» است که باید جور ناشر یوزش‌خواه و چاپچی خطاکار را بکشد و مثلاً صفحه ۲۸ را قبل از صفحه ۲۶ مطالعه کند. بهترین چاره این قبیل امور پیشگیری است و يك ناظر چاپ خوب، هم دستورالعملهای دقیق ویراستار و گرافیک را به‌متصدیان کار حالی می‌کند و هم سر بزنگاه جلو بروز فاجعه را می‌گیرد. خوشا به‌حال ناشرانی که استطاعت استخدام يك یا چند ناظر چاپ توانا را دارند و بیدا به‌حال ناشرانی که بدون برخورداری از خدمات ناظر چاپ، هوس چاپ کتاب نفیس به‌سرشان می‌زند!

فهرست راهنما. امروزه کتابهای زیادی منتشر می‌شود که قاعدتاً بایستی يك فهرست راهنما - و یا فهرستهای اعلام و موضوعی چندگانه - در انتهای آن وجود داشته باشد و متأسفانه وجود ندارد. و از این قبیل است کتابهای دانشگاهی و تحقیقی و کتابهای تاریخی و دوره روزنامه‌ها و مجلات. چون فرض بر این

می‌خوانند و به‌جزئیات فنی هم طبعاً نمی‌توانند توجه کنند. نمونه‌خوان حرفه‌ای هم به‌نوبه خود ممکن است به‌علت ناآشنایی با محتوای کتاب متوجه بعضی غلطها نشود. هرگاه با وجود همه دقتها غلطهایی به کتاب راه یافت که تصحیح آنها قبل از انتشار کتاب ضروری بود غلطنامه‌ای می‌توان تنظیم کرد و جداگانه روی قطعه کاغذ رنگینی چاپ نمود و لای کتاب گذاشت (گنجاندن غلطنامه را در صفحات آغاز کتاب توصیه نمی‌کنم چون به‌عنوان نشانه‌ای از معیوب بودن کتاب باقی می‌ماند و تأثیری منفی در ذهن خواننده می‌گذارد). غلطنامه جدا را خواننده می‌تواند پس از انتقال موارد تصحیح به‌متن کتاب دور ببندازد.

طراحی کتاب. امروزه بسیاری از ناشران به‌اهمیت يك جلد خوش طرح و جذاب برای فروش کتابشان پی برده‌اند و برای آن حاضرند چند هزار تومان به‌يك گرافیکست خوش قریحه حق‌الزحمه بدهند. طراحی داخل کتاب نیز به‌همان اندازه مهم است، چه باعث می‌شود که تقسیمبندی کتاب به‌روشنی دیده شود و خواننده خود را در فضایی آشنا و مشخص حس کند. طراحی کتاب به‌طراحی يك ساختمان بی‌شبهت نیست و گرافیکست با مشورت ویراستار و تأمل در فهرست مطالب کتاب و فصلبندی آن معلوم خواهد کرد در آغاز هر بخش یا فصل چگونه درگاهی بسازد تا خواننده پس از به‌پایان رساندن بخش قبل واقعاً حس کند دارد وارد فضای جدیدی می‌شود. در يك کتاب خوش طرح خواننده در هر لحظه می‌داند در کدام حجره است و چند اتاق یا تالار دیگر باقی مانده است تا بازدیدش تمام شود و هرگاه بخواهد به‌عقب برگردد و غرفه‌ای را دوباره ببیند می‌داند چگونه و از چه راهی به‌تالار یا حجره موردنظر خود مراجعت کند. کتابی که نظم تقسیمات آن به‌صورتی ملموس و قابل رؤیت در نیامده باشد خواننده را به‌آسانی سردرگم می‌کند.

تنظیم مطالب صفحات آغاز. نظم صفحات آغاز کتاب نیز برای خود روال مشخصی یافته است و ناشران خوب از سنتی که در این امر پدید آمده است پیروی می‌کنند. در این مختصر فرصت وارد شدن در جزئیات را نداریم. همینقدر کافی است که بگوییم یکی از ارکان کار در تنظیم صفحات آغاز (و در طراحی کتاب به‌طور کلی) تقسیم کتاب است به‌صفحات فرد (با شماره فرد) و

است که اگر محقق در جستجوی مطلبی به این کتابها مراجعه کند دیگر نیازی به مرور تمام متن نداشته باشد و بتواند از طریق فهرست راهنما در کوتاه‌ترین مدت به مطلب مورد نظر خود دسترسی پیدا کند. ناشری که دوره روزنامه کاوه را اخیراً تجدید چاپ کرده و نه مقدمه‌ای درباره تاریخچه روزنامه به آن افزوده و نه به صفحات کتاب شماره مسلسل زده و نه یک فهرست راهنما برای آن ترتیب داده حتماً یا از شئون کار بی اطلاع بوده و یا در عالم تجارت و مسابقه رسیدن به چهارسوق قبل از رقبای اُفست کار واقعی یا خیالی انجام هیچ یک از امور نامبرده را لازم ندانسته. اما ناشران خوب و مسؤول از تهیه فهرست راهنما و مقولات لازم دیگری چون واژه‌نامه و کتابشناسی و سالشمار و غیره به سادگی شانه خالی نمی‌کنند.

مطالب روی جلد و پشت جلد. جلد کتاب نمای ساختمانی است که ناشر به مباشرت مؤلف و مترجم و ویراستار و طراح و ناظر چاپ (و البته کاغذ فروش و چاپچی و صحاف) برای خواننده ساخته‌اند. اولین برخورد خواننده و کتاب در کتابفروشی رؤیت جلد کتاب است بر پیشخوان. بنابراین جلد کتاب باید جالب و چشمگیر و معرف محتویات کتاب باشد. این را دیگر همه ناشران و کتابفروشان می‌دانند. اما نکات دیگری هم هست که ناشران خوب و با تجربه رعایت می‌کنند و همه ناشران ممکن است ندانند: - جلد کتاب نباید گمراه کننده باشد. اگر کتابهای

جدی و تحقیقی به جلدهای ساده بسنده کنند و جلدهای پرآب و رنگ را برای کتابهای سرگرم کننده و سبک بگذارند تکلیف خوانندگان در کتابخانه و کتابفروشی روشنتر خواهد بود. عکس این قضیه هم صادق است ولی چوب اشتباه را در این مورد معمولاً ناشر می‌خورد.

- عنوان کتاب در روی جلد باید کاملاً خوانا باشد. هم از میان پیچ و خمهای طرح باید به خوبی دیده شود؛ هم به اندازه کافی درشت باشد و هم به رنگی چاپ شود که تحت الشعاع رنگهای دیگر جلد قرار نگیرد. یک نمونه بد از این لحاظ چاپ جدید کتاب تاریخ بیداری ایرانیان اثر ناظم الاسلام کرمانی است.

- مطالب روی جلد و صفحه عنوان باید دقیقاً با هم مطابقت کنند، چه عنوان کتاب و چه اسم مؤلف و چه اسم مترجم اگر روی جلد چاپ می‌شود. در کتاب جدید تاریخ صنعت و اختراع نام مؤلف در صفحه عنوان مورس دوما و روی جلد مورس داماس نوشته شده.

- ناشران خوب هیچگاه عطف کتاب را سفید رها

نمی‌کنند چون می‌دانند کتاب در قفسه کتابخانه تنها به مدد مطالب چاپ شده روی عطف آن است که بازشناخته می‌شود. ناشران شتابکار توجهی به مطالب عطف ندارند و هنگامی که طرح جلد را از گرافیست می‌گیرند و به چاپخانه می‌فرستند فقط روی جلد را می‌بینند. چند کتاب جدید بشمارم که عطف آن با همه پهنی و جاداری حاوی پیامی نیست جز دهن‌کجی ناشر فراموشکار یاسهل انگار به خواننده؟

- لب‌برگردان بخشی از جلد است که به طرف داخل جلد تا می‌شود. همه کتابها جلد لب‌برگردان ندارند، چون تهیه آن در مقایسه با جلد شمیمز ساده خرج بیشتری برمی‌دارد. در عوض جلد لب‌برگردان دوام بیشتری دارد و لبه‌های آن به آسانی به شکل گوش سگ (به قول انگلیسی زبانان) ذرنمی‌آید. ناشری که زحمت تهیه لب‌برگردان و یا روکش جلد مقوایی محکم (زرکوب) را به خودش می‌دهد از فضایی که در داخل جلد به این ترتیب ایجاد می‌شود بهتر است استفاده کند و اطلاعاتی درباره کتاب و نویسنده روی آن چاپ کند.

کتابهای تجدید چاپی

علاقه‌مندی خوانندگان به کتابهای تاریخی بسیاری از ناشران را در جستجوی لقمه‌های آماده به بازار پخته‌فروشان فرستاده است. کتابهای قدیمی که نام محقق معروفی را هم یدک بکشند نه تنها جاذبه فروش دارند بلکه اغلب نیازی به حروفچینی جدید هم ندارند و دو سه ماهه آماده می‌شوند. اگر سی سال هم از مرگ صاحب عله گذشته باشد دیگر چه از این بهتر! نیازی به پرداخت حق التالیف هم نیست؛ کتاب پر فروشی که نه هزینه حروفچینی دارد و نه حق التالیف! تنها اشکال کار در این است که اینگونه کتابها را رقیب هم می‌تواند افست کند. ای بسا زودتر و بهتر، چون در حیطه مالکیت همگانی قرار دارند. تاریخ مسعودی را سال گذشته چهار ناشر مختلف افست کردند و هر کدام هم در آغاز فکر می‌کردند لقمه چرب را دارند به تنهایی می‌بلعند.

کتابهای تجدید چاپی اکنون بخش مهمی از بازار نشر را تشکیل می‌دهد و افست کردن کتاب به اندازه‌ای رایج شده است که



جا دارد مقاله‌ای تنها در باب مسائل و مشکلات این رشته از کار نشر بنویسیم. اکنون مهمترین مواردی را که در این زمینه قابل بحث می‌دانیم برمی‌شماریم:

حقوق مادی و معنوی پدیدآورندگان. پیش از آنکه ناشر رأساً دربارهٔ تجدید چاپ کتابی تصمیم بگیرد بهتر است جنبه‌های حقوقی امر را هم بررسی کند. آیا مؤلف یا مترجم زنده‌اند؟ اگر زنده نیستند چند سال از مرگشان گذشته است؟ وارثان قانونی ایشان کجا هستند؟ ناشران قبلی اثر دارای چه حق و حقوقی هستند؟ در کشورهایی که دارای نظام قضایی مقتدری هستند و قوانین روشنی بر روابط صاحبان اثر و ناشران حکمفرماست طبعاً نمی‌توان اثری را بدون رضایت پدیدآورنده آن یا وکیل قانونی او تجدید چاپ کرد. در ایران هم ناشران خوب و مسؤول چنین نمی‌کنند. حتی اگر نویسنده یا مترجمی در جوانی تمام حقوق نشر اثری را به علت بی‌تجربگی یا نیاز مادی شدید یکجا به ناشری واگذار کرده باشد اخلاق حکم می‌کند که قبل از هر نوبت تجدید چاپ، ناشر قصد خود را به صاحب اثر اطلاع دهد. شاید تصحیح لازمی باشد که بایستی قبل از چاپ در متن انجام بگیرد.

در مواردی که اثر کهنه است و در حیطه مالکیت همگانی قرار دارد و هر ناشری می‌تواند بدون پرداخت حق التألیف، آن را به چاپ برساند، حقوق معنوی پدیدآورنده محترم است؛ یعنی نام پدیدآورنده را نباید از روی کتاب برداشت، عنوان کتاب را نباید تغییر داد و در متن نباید دخالت‌های بیجا و ناروا کرد. ناشرانی که این امور ناشایست را انجام دهند از نظر خوانندگان و جامعه کتابخوان ناشر خوب و مسؤول به‌شمار نمی‌روند.

ذکر سوابق چاپ کتاب. در این آشفته بازار تجدید چاپ بسیاری کتابهای قدیمی را با تغییر عنوان و با برچسب «چاپ اول» روانه کتابفروشیها ساخته‌اند. علاوه بر اینکه تغییر عنوان کتاب بدون اطلاع و رضایت پدیدآورنده آن عمل خلاف اخلاقی محسوب می‌شود، نفس امر، حتی اگر با علم و اطلاع نویسنده و مترجم هم انجام پذیرفته باشد، نوعی تقلب است. گندم‌نمایی و جو فروشی است. کسانی که اخیراً کتاب سرکوبگر جنگل ژنرال

دنسترویل را خریدند، ای بسا آن را دوسه سالی پیشتر با عنوان امپریالیزم انگلیس در ایران و قفقاز خریده بودند. در چاپ جدید از عنوان چاپ قبل و تاریخ چاپهای قبل به هیچ وجه خبری نیست. در مورد کتابهای تجدید چاپی ذکر عنوان اصلی و تاریخ چاپهای قبل امری ضروری است و ما پیشنهاد می‌کنیم مقامات ذیصلاح درج این موارد را در صفحه حقوق (پشت صفحه عنوان) الزامی اعلام کنند.

زدودن غلطهای چاپی. يك کار حتمی دیگر قبل از افست کردن يك کتاب قدیمی - مخصوصاً کتابی که قبلاً به روش چاپ مسطح به طبع رسیده باشد - مرور کتاب و تصحیح غلطهای چاپی آن است. اگر کتاب غلطنامه دارد کار آسانتر است و به سادگی می‌توان صورت درست غلطها را در کتاب وارد کرد. حتی در مواردی که حروف مورد استفاده در کتاب، دیگر در چاپخانه‌ها پیدا نشود از يك نسخه اضافی کتاب برای یافتن کلمات صحیح و چسباندن آن روی کلمات مفلوط می‌توان استفاده کرد. يك کار ناپسند (و متأسفانه رایج) افست کردن کتاب با غلطهای چاپی و غلطنامه است.

تجدیدنظر و اصلاحات. تا اینجا از موارد ضروری و حتمی سخن گفتیم. از اینجا به بعد از مستحبات سخن می‌گوییم. تجدیدنظر کردن در متن يك کتاب اطلاعاتی که اطلاعات آن کهنه شده باشد البته مفید است. در يك کتاب جغرافیا ذکر نام جدید کشورها و ارقام جدید مربوط به جمعیت و وسعت آنها حتماً بهتر از تکرار اطلاعات قدیمی و کهنه شده است. در يك کتاب علوم درج تازه‌ترین اطلاعاتی که به کمک ماهواره‌ها و سفینه‌های فضایی از سیاره‌های منظومه شمسی به دست آمده حتماً لازمتر از تکرار اطلاعاتی است که دانشمندان قبل از عصر اکتشافات فضا از سیارات داشتند. در يك کتاب لغت که اقلأً چهل پنجاه سال از تدوین آن گذشته باشد حتماً بسیاری از واژه‌های جدید و یا کاربردهای جدید لغات قدیمی را نمی‌توان یافت و اگر کتاب بدون هیچگونه دستکاری تجدید چاپ شود خواننده جوینده را کاملاً راضی نخواهد ساخت.

در چنین مواردی تجدیدنظر البته مفید است ولی تجدیدنظر نیز مسائل و مشکلات خود را دارد و ضوابطی هست که باید رعایت شود. اولین سؤال این است: چه کسی تجدیدنظر می‌کند و حد و حدود تجدیدنظر چقدر است؟ طبعاً در این میان مسائل حقوق مؤلف هم مطرح می‌شود و اگر بنا باشد تجدیدنظر را شخصی جز مؤلف اصلی انجام دهد، تجدیدنظر کننده باید مورد اعتماد مؤلف

باشد، با نظر او انتخاب شود و روش کار با توافق مؤلف تعیین گردد. و اگر مؤلف اصلی از دنیا رفته باشد، رضایت ورثه قانونی او باید جلب شود. در چنین مواردی حفظ حقوق معنوی صاحب اثر مهمتر است.

تجدیدنظر در يك كتاب ترجمه شده معمولاً با استفاده از چاپ تازه تر كتاب اصلی انجام می پذیرد. اگر مترجم حاضر و مایل باشد ناشر طبعاً کار را به او خواهد سپرد. گرفتاری موقعی پیش می آید که مشغله دیگری مترجم اصلی را از پذیرفتن پیشنهاد تجدیدنظر باز دارد. دکتر محمود صناعی، نخستین مترجم کتاب روانشناسی مان، به علت اشتغالات گوناگون خود سالها موفق به تجدیدنظر در ترجمه خود نشد و کتاب اقلهفت بار به شکل اولیه تجدید چاپ گردید. در این میان مؤلف كتاب چند بار در متن تجدیدنظر کرد و مطالب جدیدی به آن افزود. ترجمه تازه ای از آخرین چاپ كتاب مورد نیاز بود و دکتر بهمن ساعتچی که خود از دانشجویان دکتر صناعی بود سرانجام این کار را به عهده گرفت. ترجمه دکتر ساعتچی اکنون خود نیاز به تجدیدنظر دارد.

کتابهای درسی دانشگاهی پر فروش اروپا و امریکا، و بیشتر امریکا، کراراً مورد تجدیدنظر قرار می گیرند، به حدی که بعضی از ناظران دیرباور انگیزه این نوع تجدید چاپهای پرتجدیدنظر را بیشتر تجارتي می دانند تا علمی - آموزشی. آنچه مسلم است ما در حال حاضر توانایی تجدیدنظر سال به سال را در کتابهای دانشگاهی خود نداریم، اما این تجدیدنظر دست کم هر پنج سال یکبار باید انجام بگیرد.

ناشران ما هر چند از لفظ «تجدیدنظر» خوششان می آید، چون آن را محرکی برای فروش كتاب می دانند (اخيراً یکی از ناشران این علاقه مندی را با اعلام «چاپ اول با تجدیدنظر و اضافات» [۱] در صفحه حقوق یکی از کتابهای خود بروز داد)، اما در عمل اگر معنی تجدیدنظر تجدید حروفچینی تمام كتاب و صفحه آرایی دوباره آن باشد، در بیشتر موارد به خاطر پرهیز از هزینه های اضافی و معطلی از خیر تجدیدنظر می گذرند و كتاب را همچنان به شکل قبلی خود افست می کنند. راههای مختلفی برای پرهیز از حروفچینی دوباره تمام متن وجود دارد؛ یکی این است که وارد کردن مطالب جدید به همراهی حذف قسمتی از مطالب قدیم انجام بگیرد. يك رقم جدید، جای رقم کهنه شده ای را بگیرد. يك سطر، يك پاراگراف و یا يك صفحه برداشته شود و به جای آن عیناً يك سطر جدید، يك پاراگراف جدید و يك صفحه مطلب جدید قرار بگیرد. این کار قدری مشکل است ولی عملی است. يك راه آسانتر جمع کردن مطالب تازه در يك بخش معین كتاب است مثلاً در مقدمه مترجم و یا در يك پیوست، بدون دست بردن در متن اصلی.

اضافات و الحاقات. این مقوله کم و بیش تابع ملاحظات تجارتي است و معمولاً برای افزایش جذابیت كتاب در بازار انجام می گیرد. نکته ظریف افزودن مطلب یا مطالبی است که به نحوی مکمل مطالب كتاب قرار بگیرند و به آسانی در دسترس همه نباشند. افزودن مطالب تازه به كتاب طبعاً بهای فروش آن را نیز بالا خواهد برد، از این رو توصیه ما پرهیز از زیاده روی در امر اضافه کردن مخلفات است. یکی از کارهای مفید در این زمینه افزودن تصاویر مناسب به کتابهایی است که در چاپ قبل به صورت غیر مصور به چاپ رسیده اند.

کتابهای نفیس

كتاب نفیس به زعم ما کتابی است که ناشر خود آن را يك محصول استثنایی بداند و برای رساندن آن به سرحد کمال از هیچگونه کوششی، و خرجی، فروگذار نکند، به عبارت دیگر کتابی است که همه دست اندرکاران در تمامی مراحل تهیه و تولید آن سنگ تمام بگذارند و حداکثر تواناییهای خود را به کار گیرند. نشر اینگونه کتابها از حوادث عالم نشر محسوب می شود و هر هفته و هر ماه اتفاق نمی افتد. به عقب که بنگریم می بینیم تنها هر چند سال يك بار چنین کتابهایی به منصفه ظهور رسیده اند و کارنامه هر کدامشان را که مرور کنیم می بینیم محصول چندین سال کار و کوشش پربار همراه با مرارت و خون دل خوردنهای جمعی انسان علاقه مند بوده است. *دایرة المعارف فارسی و لغتنامه دهخدا* (هر چند که به نفیس ترین شکل ممکن چاپ نشده است) دو نمونه از این گونه کتابها هستند که هر کدام کارنامه ای اقله چهار ساله دارند.

گرمی بازار كتاب در این ایام برخی از ناشران توانگر و در عین حال کم حوصله را به فکر تهیه و طبع کتابهای نفیس و در واقع شبه نفیس انداخته است. برخی از این کالاهای نوساز به اندازه ای معیوبند و اشکالات ابتدایی دارند که آدم از دور ریختن این همه سرمایه تعجب می کند. باز چاره ای نیست جز آنکه حوصله خوانندگان نشر دانش را سر ببریم و مهمترین ویژگیهای کتابهای نفیس را بر شماریم.

متن كتاب نفیس. متون این چنین کتابهایی اغلب از آثار مهم و محك خورده باقیمانده از گذشته است، شاهکاری برگزیده از میراث فرهنگی کشور. کمتر ناشری حاضر خواهد بود روی اثر نیازموده ای سرمایه گذاری کلان بکند و کمتر خواننده ای حاضر خواهد بود محصول سراینده یا نویسنده ناشناسی را به بهایی چند



طراح با همفکری و همدلی و صرف وقت کافی عمل کنند اجزای کتاب بهم جوش خواهد خورد و از این میان نوعی وحدت هنری پدیدار خواهد شد. در غیر این صورت همیشه این خطر وجود دارد که کتاب «جا نیفتد» و هر قسمت آن برای خود سازی بزند.

چاپ کتاب نفیس. بر شمردن این رده از ویژگیها آسانتر است و نیازی به دادن توضیحات مفصل نیست. همه می دانند که يك کتاب سنگ تمام نیاز به کاغذ اعلا و چاپ و صحافی درجه اول دارد و ترجمه این عبارت به زبان امکانات امروز عبارت است از کاغذ گلاسه اقلأ ۱۲۰ گرمی، چاپ افست دست کم دورنگ برای متن و دست کم چهاررنگ برای تصاویر، به اضافه صحافی ته دوخت با جلد محکم گالینگور (کالیکو) باروکش. آنچه مهم است این است که همه دست اندرکاران چاپ و صحافی بدانند و قبول کنند که دارند يك سفارش استثنایی را انجام می دهند و کار را با دقت و صرف وقت کافی انجام دهند. و اما بعضی نکات دیگر:

- کتاب نفیس غلط چاپی ندارد.

- در کتاب نفیس نسخه هایی که چند صفحه آن سفید مانده باشد دیده نمی شود، یعنی در مراحل مختلف «تا و ترتیب»، فرمهای کتاب به صورت سازمان یافته ای بازرسی می شود و اوراق معیوب و کثیف و بدچاپ بیرون کشیده می شود.

- مقوای جلد کتاب نفیس صاف و راست می ایستد و «تاب» بر نمی دارد.

- روکش جلد کتاب نفیس از کاغذ کلفت تهیه شده است و برگردان دوطرف آن به اندازه کافی عریض است. - تصاویر کتاب نفیس خوب و روشن چاپ شده است و رنگها دقیقاً روی هم خورده اند و در همه نسخه های کتاب عیناً به يك درجه از شدت دیده می شوند.

در تحلیل آخر کتاب نفیس چیزی نیست جز کتاب خوبی که با تمهیدات استثنایی به چاپ رسیده باشد. بسیاری از کتابهای نفیس در قطعهای بزرگتر از حد متعارف به چاپ می رسند اما بزرگی جثه و حجیم بودن آن یگانه نشانه های يك کتاب مستطاب نیست. بهترین کتابها اغلب حاصل کار و کوشش چند نفری است که سالی چند از عمر خود را وقف کار آن کتاب کرده اند چون نيك می دانسته اند که فرصت مغتنمی را برای برجای نهادن يك کار یادگاری به دست آورده اند.

برابر بهای يك کتاب معمولی خریداری کند. مگر اینکه پدید آورنده اثر اتفاقاً ثروتمند نیز باشد و خود بانی طبع و نشر اثر خود به بهترین شکل گردد.

تصاویر کتاب نفیس. با قیچی کردن عکسهای رنگی چاپ شده در کتابها و مجلات خارجی و قرار دادن آنها در برابر دوربین گراوورسازی (یا لیتوگرافی) نمی توان به کیفیاتی از چاپ که در شأن کتابهای نفیس است دست یافت. یا اصل نقاشیها را باید در دست داشت و یا دست کم اسلایدهایی که به دست اشخاص حرفه ای با رعایت همه اصول فنی در قطع بزرگ تهیه شده باشد. اگر کتاب نفیس از زبان دیگری به فارسی ترجمه شده است و اصل آن در ژاپن یا یکی از کشورهای مغرب زمین به چاپ رسیده باشد، می توان با در دست داشتن کپیهای از فیلمهای افست تصاویر رنگی به کیفیاتی چاپی کتاب اصلی نزدیک شد. و یا حتی در شرایط استثنایی به آن رسید. اما تهیه نسخه بدل فیلم افست کتاب طبعاً بدون جلب رضایت ناشر کتاب اصلی عملی نیست. و جلب رضایت آن حضرات خود حدیث دیگری است.

در هر حال برای تهیه تصاویر خوب و مناسب باید به سراغ هنرمندان درجه اول رفت و نازشان را کشید و بر سر شوقشان آورد و گوشه ای از بار زندگی شان را برداشت. ولی ناشران ما کمتر حوصله اینگونه ناز کشیدن را دارند. اغلب حاضرند چند صد هزار تومان به کاغذ فروش و چاپچی و صحاف بپردازند ولی دستشان برای پرداخت چند هزار تومان به نقاش و عکاس پیش نمی رود.

تلفیق متن و تصاویر. این قسمت از کار یعنی شکل دادن به کتاب و پدید آوردن يك کل هماهنگ از اجزای مختلف آن از متن و تصاویر گرفته تا مقدمات و مخلفات یکی از حساسترین مراحل کار است و تنها از عهده باتجربه ترین و باقریحه ترین کتاب پردازان برمی آید. اگر در این مرحله درست عمل شود و اجزای کتاب از ابتدا با توجه به ارتباطات متقابلی که باید بینشان وجود داشته باشد انتخاب شوند و بعد سر بزنگاه کتاب پرداز و